

مبارزه با بدحجابی یا افزایش امنیت اجتماعی؟

اکرم سادات موسویان
am_152@yahoo.com



زنان، نیمی از جمعیت یک جامعه را تشکیل می دهند و از آن جا که از ارکان اصلی خانواده به شمار می روند، حفظ امنیت اجتماعی آنان بر دولت و حکومت لازم است. اما نحوه تامین این امنیت شاید از خود مساله مهمتر باشد. زیرا حرکت در این مقوله مانند راه رفتن بر لبه تیغ نیازمند توجه و دقت بسیار است، چه این که هر گونه افراط و تفریطی در این زمینه می تواند موجبات ناامنی های بیشتر را در سطح جامعه فراهم آورد.

از اول اردیبهشت ماه طرحی از سوی نیروی انتظامی به اجرا گذاشته شد که در ابتدا از آن با عنوان "مبارزه با بدحجابی" نام برده می شد اما در واقع نام آن "طرح امنیت اجتماعی - اخلاقی" بود. این طرح

در کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت آمده است که در زمان داریوش، زنان طبقات بالا جز با تخت روان تردد نمی کردند و زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان ببینند. این نحو پوشش با تغییراتی، در دوران ماد و ساسانیان نیز ادامه داشت و زنان لباس های خاص و پوشیده ای را به تن می کردند. آنچه در همه ی این دوران حفظ شد تمایز آشکاری بود که در نحوه پوشش زنان و مردان وجود داشت و عدم اختلاط زنان و مردان بیگانه نیز به عنوان یک ارزش در تمام این دوران حفظ شد، تا جایی که بسیاری از تاریخ نویسان، در نگاهی افراطی، ارتباط عرب با ایران را از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام بیان کرده اند.

فلسفه پوشش در اسلام

اسلام نیز مانند دیگر ادیان، حجاب را به عنوان

که با هدف مبارزه با بدحجابی، مفاسد اجتماعی و افزایش امنیت اجتماعی شهروندان پایه گذاری شده بود، عکس العمل های مختلفی را در بین مسوولین امر برانگیخت. وجه مشترک تمامی گروه ها در این میان، حرکت به سمت جامعه ای اخلاقی تر و بانشاط تر بود. هر چند تفاوت دیدگاه ها موجب گردید، برخی این طرز برخورد را شیوه مناسبی برای اجرای این طرح قلمداد نکنند.

پوشیدگی در ایران قدمتی طولانی دارد

حجاب و پوشیدگی در ایران، نه تنها پس از اسلام که حتی قبل از آن نیز وجود داشت و در برخی دوره ها به شیوه ای سخت و شدید اعمال می شد تا جایی که بسیاری از آزادی های طبیعی زنان را نیز محدود می ساخت.



یک ارزش برای زن مطرح و پس از ورود اسلام به ایران، به عنوان یک اصل مهم بر آن صحنه گذاشت، با این تفاوت که اسلام تلاش کرد تا ارزش و هویت زن ایرانی را جلا بخشد و وی را از گزند خرافات و تعصبات نابه‌جای آن دوران رهایی بخشد.

در اسلام از زن به عنوان "مایه سکون و آرامش" نام برده شده و شاید به همین دلیل است که حجاب را شایسته و درخور شان زن دانسته تا وی را از آسیب هر آن چه که این آرامش را بر هم می‌زند محفوظ دارد.

در دوران پس از اسلام، حجاب زنان ایرانی تا حدودی همان لباس زنان ساسانی بود و تنوع چندانی

چنانچه مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنجی از مردان درد دل می‌کرد و یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می‌کرد همسایگانش می‌توانستند سخن او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد."

در دین مسیحیت نیز حجاب از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است، چنانچه هم اکنون نیز زنانی که قصد دارند به کلیسا بیوندند نوع خاصی از پوشش را برای خود انتخاب می‌کنند که به عقیده‌ی آنان پوشش حضرت مریم بوده است که نوع کاملی از

پوشیده‌تر از مرد ظاهر گردد.

البته این پوشش یک سیستم تحمیلی و اجباری نیست و انسان‌ها حق دارند بنا به سلیقه، فرهنگ و آداب و رسوم خود پوشش خاصی را برگزینند، حتی در اسلام نیز در هیچ کجا به پوشش خاصی اشاره نشده است بلکه با مشخص نمودن حریم‌ها، راه را برای سلیق فردی افراد باز گذاشته است.

ضمن این که در طی دوران، شکل و نحوه پوشش تغییر کرده و انتظار نمی‌رود پوششی را که اکنون زنان و دختران برای خود انتخاب می‌کنند با پوشش‌های گذشته مطابقت داشته باشد، اما اصل مساله، یعنی پوشیدگی زنان، به عنوان یک اصل ثابت تغییری نکرده و تنها شکل و ظاهر آن متناسب با



- حجاب نه فقط متعلق به
- ایران که به قلم بسیاری از
- مورخان در بسیاری از
- کشورها از جمله هند و روم
- حجاب شدیدی وجود
- داشته است

در آن دیده نشد، جز این که در زمان صفویان، سرکردن چادر و نوع پوشش خاص آن به عنوان یک سنت در نزد ایرانیان شناخته شد که تا دوران پهلوی و حاکمیت رضاخان که دستور "کشف حجاب" را صادر نمود، ادامه یافت. پس از آن دوران بود که فرهنگ غربی، رفته‌رفته در بین ایرانیان رسوخ نمود و آداب و سنن قدیمی آنان، تا حدودی کمرنگ شد.

حجاب در ادیان دیگر

نه تنها در دین اسلام که در ادیان دیگر به داشتن حجاب توصیه شده پوشیدگی به عنوان یک آیین مذهبی شناخته شده است. در دین یهود، این آیین سخت‌تر بوده تا آن جا که استاد مطهری در کتاب "فلسفه حجاب" به نقل از ویل دورانت این گونه بیان می‌دارد: "اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت،

تحوالات زمان دچار دگرگونی شده است. این نکته را نیز باید یادآور شد که این پوشیدگی به هیچ عنوان منافاتی با کار و فعالیت اجتماعی زنان ندارد، چه این که هم اکنون بسیاری از زنان با حفظ حریم‌ها، به ایفای نقش اجتماعی خود در جامعه می‌پردازند.

ایران پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و برگزاری همه‌پرسی ۱۲ فروردین که در آن جمهوری اسلامی به عنوان حکومت رسمی ایران پذیرفته شد، تلاش گردید تا حتی‌الامکان قوانین یک حکومت اسلامی در کشور جاری شود و بدین سان بود که تمامی افرادی که تحت حاکمیت مورد پذیرش و منتخب و در داخل مرزهای کشور بودند اعم از مسلمان، زرتشتی، مسیحی و...

حجاب در دین مسیحیت را به نمایش می‌گذارد. با نیم نگاهی به مطالب و در نگاه جزئی‌تر، حجاب یک مساله خاص مربوط به یک مذهب یا یک کشور بخصوص نیست. حجاب نه تنها در اسلام که در تمامی ادیان مورد توجه قرار گرفته است و نه تنها پس از اسلام که قبل از اسلام نیز ضرورت آن احساس می‌شد. نکته جالب توجه این که حجاب نه فقط متعلق به ایران که به قلم بسیاری از مورخان در بسیاری از کشورها از جمله هند و روم حجاب شدیدی وجود داشته است. این نیاز از همان ابتدا وجود داشته که پوشش زنان و مردان بایستی متمایز باشد و این امر به هیچ عنوان منافاتی با اصل برابری حقوق زن و مرد ندارد. چنانچه در قرآن نیز می‌فرماید که "زنان را از جنس مردان آفریدیم" اما به دلیل اهداف خاصی که در خلقت زن در نظر گرفته شده می‌بایست

ملزم به رعایت حجاب شدند، توریست‌ها، سفرا و مقامات رسمی کشورهای دیگر نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

اما متأسفانه در اوایل انقلاب، به دلیل ناآگاهی و کم تجربگی اقداماتی در این راستا صورت پذیرفت که نه تنها این ارزش را نهادینه ناساخت، بلکه موجب سرخوردگی و دلسردی بسیاری از افرادی شد که اگر با شیوه درست با آنها برخورد شده بود، چه بسا که با کمال میل این ارزش را می پذیرفتند و ما اکنون ناهنجاری‌های کمتری را در این رابطه شاهد بودیم. اکنون همه تصدیق می‌نمایند که سخت‌گیری‌های اول انقلاب چون تنها به برخوردهای سطحی و

می‌گیرد که تمام دوران زندگی خود را از خردسالی تا جوانی تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی گذرانده‌اند. جوانانی که بیشترین جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و در حال حاضر حل نمودن مشکلات فزاینده آنها، بزرگترین دغدغه دولتمردان است.

این جوانان در مدارس و دانشگاه‌هایی درس خوانده‌اند که فرهنگ ایرانی-اسلامی بر آن حکفرما بوده است.

با وجود تمامی اینها، آیا می‌توان بیان نمود که ابزار لازم برای فرهنگ‌سازی صحیح وجود نداشته است؟



انتظامی محدود شد نه تنها نتوانست یک فرهنگ صحیح را در دل جامعه نهادینه سازد، بلکه به مانند مسکنی موقتی عمل نمود و پس از مدتی، درد با شدت بیشتری خود را به جامعه تحمیل کرد. اما این بار سعی شد سیاست دیگری در پیش گرفته شود و آزادی‌های اجتماعی بیشتری در سطح جامعه فراهم شد ولی از آن جا که آثار یک سیاست اشتباه تا مدت ها به جای می‌ماند این آزادی نیز چون با هدف مشخص و سمت و سوی صحیحی شکل نگرفت نتوانست ناهنجاری‌های این چند ساله را ریشه‌کن سازد. و اکنون دوباره روش "بگیر و بند" در پیش گرفته شده که با وجود هدف صحیح آن به خوبی پرورده نشده و ناگفته پیداست که آثاری زیان‌بارتر از اقدامات ۲۶ سال پیش در پی خواهد داشت.

برخورد یا فرهنگ‌سازی؟

در این طرح جدید که توسط نیروی انتظامی به اجرا گذشته شده بیشترین برخورد با جوانانی صورت

برخوردهای سطحی نه تنها ارشاد جوانان را موجب نمی‌گردد، بلکه جوانان می‌آموزند در مکان‌های عمومی مطابق با مقررات انتظامی ظاهر شوند و در مجالس خصوصی هر آن گونه که دلخواهشان است و این نفاقی که در بین جوانان به وجود می‌آید خود می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی بیشتری را پایه‌ریزی کند و چه بسا این مشکلات در شکلی جهش یافته‌تر به نسل‌های بعد نیز منتقل گردد.

بر کسی پوشیده نیست که غرب و آمریکا هر چقدر در زمینه تهاجم فرهنگی تلاش نمایند، تا زمانی که عملکرد داخلی قوی‌تر و در مسیر درست حرکت و برنامه‌های مشخص و بهتری به کار گرفته شود کاری از پیش نخواهند بود.

موافقان و مخالفان

این طرح که رسماً از اول اردیبهشت ماه به اجرا گذاشته شد، از همان ابتدا نگرانی‌های بسیاری را به همراه داشت. به طوری که هنوز چند روز از اجرای طرح نگذشته بود، فرمانده نیروی انتظامی به کمیسیون امنیت ملی فراخوانده شد، هر چند، قبل از آغاز رسمی طرح نیز این برنامه‌ها توسط احمدی‌مقدم برای کمیسیون فرهنگی مجلس تشریح شده بود تا صورت ایجاد مشکل تعدیل گردد. اما در این بین بیشترین برخورد از سوی قوه قضائیه صورت گرفت. هاشمی شاهرودی صریحاً به اجراکنندگان این طرح هشدار داد که "کشاندن پای زنان و جوانان به کلانتری غیر از ضرر اجتماعی منفعتی ندارد".

وی همچنین یادآور شده بود که "گاهی برخوردهای خشن نتیجه عکس می‌دهد و این خلاف سیاست پیشگیری است".

در این بین از نامه مهدی کلهر، مشاور فرهنگی رییس جمهور نیز نباید گذشت.

وی در نامه سرگشاده خویش به احمدی‌مقدم، با بیان این که "شما تنها نیستید" به تشویق این طرح پرداخته بود اما در عین حال هشدار داده بود که مبادا در این راه دچار افراط و تفریط شوید که اینها هر دو خطرناک است.

الهام، سخنگوی دولت نیز از پاسخ صریح به سوالات خبرنگاران در این رابطه خودداری و با بیان اینکه در این طرح نیروی انتظامی به عنوان ضابطه قضایی انجام مأموریت می‌کند، اعلام نمود که دولت در امور قضایی دخالت نمی‌کند.

وی همچنین نسبت به نامه کلهر، مشاور رییس جمهور نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته بود مواضع

اگر در طی این چند سال، جوانانی فهیم، بالنده و شایسته تربیت شده باشند که دیگر جای نگرانی وجود ندارد و نیازی به این چنین کنترل‌هایی نیست زیرا این جوانان می‌توانند خوب را از بد و شایسته را از ناشایسته تمیز دهند. اما اگر در طی این چند سال و با وجود این همه ابزار فرهنگی، فرهنگ‌سازی صحیحی صورت نگرفته باشد و این جوانان قدرت تشخیص درست و نادرست را نداشته باشند، با چنین تدابیری نیز کاری از پیش نخواهد رفت. حتی اگر ادعا شود که تنها درصد کمی از جوانان دارای ظاهر و رفتار ناشایسته هستند، در این صورت نیز بهتر آن است که وظیفه ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده باقی جوانان شایسته بگذاریم و نیازی وجود ندارد که پلیس پایتخت بسیج شود و وقت و امکاناتی که می‌تواند در مبارزه با سایر ناهنجاری‌ها به کار برد، صرف این امور نماید. حال باید دید جوانان ما در کدام دسته جای می‌گیرند؟ حتی اگر آنها را در دسته دوم نیز قرار دهیم، به نظر می‌رسد این چنین



هستند. این گفته چندان نیز دور از واقعیت نیست، کافی است به مراکز خرید در تهران سری بزنید تا مشاهده نمایید که اکثریت لباس‌هایی که عرضه می‌شود مطابق با مد روز می‌باشد و درصد کمی از آنها نیز که متناسب با پوشش عرفی جامعه است آن قدر در سبک و رنگ‌بندی قدیمی است که نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای نسل جوان باشد.

در همین راستا، معاون وزیر بازرگانی از همراهی اصناف در این طرح خبر داد و رییس اتحادیه تولیدکنندگان پوشاک مسوولیت یافت تا در این راستا اقدام نماید. در حال حاضر ۵۰۰ فروشگاه مشخص در این رابطه معرفی شده‌اند و قرار بر این است که با واحدهای متخلف برخورد شود و این طور بیان شده که این واحدها ابتدا جریمه و سپس پلمب می‌شوند. امیدواریم این طرح موقتی نباشد و با سامان دادن

به فروشگاه‌های پوشاک در کشور بتوان پوششی مناسب و متنوع در اختیار نسل جوان قرار داد. در این رابطه بایستی از طراحان لباس نیز بهره جست و آنان را تشویق نمود تا پوشاکی را طراحی کنند که با فرهنگ ایرانی-اسلامی جامعه ما سازگاری داشته باشد.

طرح‌های تازه

احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در تازه‌ترین اخبار خود از طرح‌های دیگری نیز در راستای افزایش امنیت اجتماعی خبر داد. یکی از این طرح‌ها طرح مبارزه با ارادل و اوباش است که تا چند وقت دیگر به اجرا گذاشته می‌شود و دیگری، طرح "نجات" است که برای جمع‌آوری معتادان و کارتن‌خواب‌های کنار خیابان و معرفی آنان به مراکز اصلاح و بازپروری صورت می‌گیرد.

اما در این میان به نظر می‌رسد این طرح‌های ضربتی، مانند مسکنی عمل خواهد نمود که نه تنها علت بیماری را از میان بر نمی‌دارد، بلکه با آرام کردن مقطعی درد نیاز به ریشه‌یابی بیماری کمتر احساس می‌شود و چه بسا که این بیماری آن چنان در عمق جامعه نفوذ نماید که جامعه را از پای درآورد.

پس چه بهتر که حداقل به موازات اجرای چنین طرح‌هایی مساله ریشه‌یابی شده و سعی نماییم با راه حلی منطقی و بهینه این مشکل را در طی زمان حل نماییم.

بایستی این نکته را باور کنیم که تا هنگامی که ارزش‌ها در وجود ما نهادینه شده باشد حتی بزرگترین اخبارها نیز نمی‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

نمی‌توان به اصلاح پشت صحنه پرداخت و در بهترین حالت تنها می‌توان جلوی صحنه را اصلاح کرد.

اصناف پوشاک

اما در این میان اعتراضات زیادی از سوی مردم و مسوولان صورت پذیرفت که اگر هدف این طرح ایجاد امنیت اجتماعی است، پس چرا از صنف پوشاک چشم‌پوشی شده است.

مردم بسیاری مدعی هستند که اکثریت مانتوها، روسری و لباس‌هایی که مورد اعتراض نیروی انتظامی است در داخل کشور تولید و توزیع می‌شود و حتی بیان می‌دارند که به دلیل نبود لباس‌های مناسب در مغازه‌ها مجبور به استفاده از چنین پوشاکی

هستند.

- طرح‌های ضربتی،
- مانند مسکنی عمل
- خواهد نمود که نه تنها
- علت بیماری را از میان
- بر نمی‌دارد، بلکه با آرام
- کردن مقطعی درد نیاز
- به ریشه‌یابی بیماری
- کمتر احساس می‌شود

مربوط به دولت از طرف مجاری اجرایی و اداری ارایه می‌شود.

محمدعلی رحمانی، نماینده ولی فقیه در نیروی انتظامی و رییس سازمان عقیدتی و سیاسی نیز ضمن بیان مضرات بی‌حجابی در جامعه گفته است: "بخشی از کسانی که حجاب را در جامعه رعایت نمی‌کنند دچار مدیرستی بوده و از دیگران تقلید می‌کنند و بخش دیگری از آنها افرادی هستند که از اطلاعات دینی ضعیف برخوردار بوده و ناخواسته در مسیری گام برمی‌دارند که برخی سودجویان طراحی کرده‌اند." اما به نظر می‌رسد باید به این سوال پاسخ داده شود که چه کسی در طی این سال‌ها می‌بایست این باور فرهنگی و عقیدتی را در افراد ایجاد نماید و با توجه به این که تمامی رسانه‌های فرهنگی در اختیار آنان می‌باشد، چگونه این اطلاعات دینی تاکنون تقویت نشده است.

سردار احمدی مقدم در اولین همایش سالانه مدیران مبارزه با مفاسد اجتماعی اعلام نموده‌اند که بدحجابی تبلور محسوس آن چیزی است که در پشت صحنه رخ می‌دهد و ما از آن غافلیم و خاطرنشان کرد که: "برخی دستگاه‌ها که به نیروی انتظامی می‌گویند باید به جای برخورد با بدحجابی و اجرای طرح امنیت اخلاقی، کار فرهنگی انجام شود، باید مورد استیضاح قرار گیرند چرا که خود تاکنون در خواب خرگوشی به سر می‌برند و حرف نا به جا می‌زنند."

مسلم‌سردار به این نکته به درستی اشاره نمودند که اتفاق اصلی در پشت صحنه رخ می‌دهد، اما گویا به این نکته توجه ننموده‌اند که با روش‌های انتظامی